

Legal Consequences of the Contracts' stimulus; Islamic moral principles and approach

Mohammad Shokri*

Abstract

the moral consequences of approved laws and regulations are subject to reflection. This issue needs research and analysis to help the legislator in decision-making and legislation do it in accordance with ethical rules and ensuring an ethical approach to prevent the moral ineffectiveness of laws or their immoral approach. The fourth paragraph of Article 190 of the Civil Code introduces one of the basic conditions for the validity of transactions as "the legitimacy of the stimulus of transaction" and thereby considers the illegitimate motive to invalidate the contract. The means of concluding a contract is to carry out illegitimate goals, including committing sin and conduct that is prohibited and contrary to public order. Also, this legal measure is in line with the prohibition of the deputy in sin and committing a crime. On the other hand, the Islamic moral order observes the necessity of non-disclosure of guilt in this legal rule. According to the law, it is not necessary to specify the direction of the contract, but if it is specified, it should not be illegitimate. Creating grounds for lies and hypocrisy. The result of this is to pay attention to the approach and the moral and social effects of the legal conditions, leading to the formation of opinions in accordance with the moral teachings of Islam and the order of society, which can create an efficient and new look at legislative decisions.

Keywords

The Contract Motive, illegitimate, specification, privacy, vice on sin.

*PhD in Private Law, Faculty Member of Payam Noor University, Tehran.
mshokri.pnu@gmail.com



آثار حقوقی جهت قرارداد؛ مبانی و رویکرد اخلاقی اسلامی

محمد شکری*

چکیده

آثار اخلاقی قوانین و مقررات، موضوعی درخور تأمل است. این موضوع نیازمند تحقیق و واکاوی است تا قانونگذار را در تصمیم‌گیری و تقنین منطبق با قواعد اخلاقی و متضمن رویکرد اخلاقی یاری دهد و از ناکارآمدی اخلاقی قوانین یا رویکرد ضد اخلاقی آن‌ها جلوگیری کند. بند چهارم ماده ۱۹۰ قانون مدنی، یکی از شرایط اساسی صحت معاملات را «مشروعیت برای معامله» معرفی می‌کند و به موجب آن، انگیزه نامشروع را باعث بطلان قرارداد می‌داند. هدف از ضمانت اجرای حقوقی بطلان قرارداد در موارد جهت نامشروع مصرحه، خودداری از وسیله قرار گرفتن قرارداد برای اجرایی کردن اهداف نامشروع، از جمله ارتکاب گناه و رفتارهای ممنوع و منافی با نظم عمومی جامعه، است. همچنین، این تدبیر حقوقی با تحریم معاونت در گناه و ارتکاب جرم و خلاف، هماهنگ است. از سوی دیگر، دستور اخلاقی اسلام مبنی بر ضرورت عدم‌افشای گناه در این قاعده حقوقی رعایت

* دکتری حقوق خصوصی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور، تهران.



می‌گردد. مطابق قانون، تصریح به جهت قرارداد ضروری نیست؛ اما در صورت تصریح بدان، نباید نامشروع باشد. رویکرد اخلاقی و اجتماعی این جنبه، یعنی عدم اجبار در تصریح جهت معامله، موجد آثار اخلاقی حفظ حریم خصوصی، عدم تجسس در انگیزه‌های پنهانی اشخاص و فراهم‌نشدن زمینه دروغ و ریا است. نتیجه توجه به رویکرد و آثار اخلاقی و اجتماعی شروط قانونی، به طرح دیدگاه‌های منطبق با تعالیم اخلاقی اسلام و نظم جامعه منجر می‌شود که می‌تواند نگاه کارآمد و نوینی در تصمیمات قانونگذاری ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها

جهت قرارداد، نامشروع، تصریح، حریم خصوصی، معاونت در گناه.

مقدمه

اخلاق به منزله یکی از مقولات مهم اجتماعی، امری است که همواره مورد توجه بوده است. اوصاف اخلاقی همیشه مطلوب افراد جامعه و بالعکس، رفتارهای ضد اخلاقی منفور و موجد نوعی اخلال در نظم بایسته جمعی است. در تعریف اجمالی، اخلاق، مجموعه قواعد لازم برای رسیدن به نیکوکاری و کمال توصیف شده و آن را معیار کار خوب و بد دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۸۵). بر اساس مبانی اخلاق، برترین اخلاق است که تکلیف افراد را مشخص می‌سازد.

مطابق ایده اخلاق اجتماعی، آنچه را می‌پسندند، اخلاقی و غیر آن را غیر اخلاقی می‌نامند. در نظریه اخلاق دولتی نیز اخلاق یعنی اطاعت از دولت و احترام به قواعد دولتی (همان، ص ۸۶). در منابع اسلامی، اخلاق، دانش شناخت صفات نجات‌دهنده و هلاک‌کننده تعریف شده است (نراقی، ۱۳۶۳، ص ۵). اخلاق، فضایل را از رذایل و مایه کمال را از مایه نقص تفکیک می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۵۵۸) همچنین،



اخلاق در زمره اشرف علوم و جزء علوم آخرت، واجب التحصیل دانسته شده و در تعریف آن آمده است: «علم الأخلاق المعرف لمنجيات النفس و مهلكاتها» (نراقی، بی تا، ج ۱: ص ۱۴۲). فضایل اخلاقی موجب سعادت ابدی و رذایل سبب شقاوت ابدی است.^۱

یکی از مصادیق کاربردی اخلاق، توجه به آثار و رویکردهای اخلاقی علوم مختلف در نظام اخلاقی جامعه است. اخلاق نسبت به حقوق عام است و حوزه گسترده تری دارد. از جمله تفاوت های آنها می توان به تفاوت در هدف و مسئولیت و ضمانت اجرا اشاره کرد؛ هدف اخلاق، تأمین سعادت فرد و اجتماع و در دیدگاه اسلام، حصول سعادت اخروی و دنیوی است، لکن هدف حقوق به مسائل دنیوی محدود است. مسئولیت اخلاقی فراتر از مسئولیت حقوقی است و ضمانت اجرای نقض اخلاق، عذاب وجدان و سرزنش اجتماعی و یا طرد شدن از جامعه است، لکن در حقوق، ضمانت اجرا عینی و در قالب مسئولیت مدنی، کیفری یا اداری تعیین می شود. هر چند رابطه اخلاق و حقوق از نوع عموم و خصوص من وجه است، ارتباط قواعد اخلاقی و حقوقی در موارد زیادی وجه غالب است.

البته گاه قاعده حقوق، به نحو مستقیم، متضمن قاعده اخلاقی نیست، اما رویکرد ممانعت از اخلال نظم اجتماعی و حفظ نظم عمومی خود سبب تحقق آثاری اخلاقی است. حقوق از علومی است که رابطه ناگسستنی با اخلاق دارد؛ چه در بسیاری موارد، هدف از قواعد حقوقی حصول به نتایجی است که در حوزه اخلاقیات واقع می گردد. عدالت و نظم، به منزله دو هدف کلی حقوق، در مصادیق متعددی متضمن حصول نتایج اخلاقی است. بی تردید، اخلاق از مهم ترین مبانی قانونگذاری است و

۱. فضائل الأخلاق من المنجيات الموصلة إلى السعادة الأبدية و رذائلها من المهلكات الموجبة للشقاوة السرمدية فالتخلي عن الثمانية و التحلي بالأولى من أهم الواجبات و الوصول إلى الحياة الحقيقية بدونهما من المحالات فيجب على كل عاقل أن يجتهد في اكتساب فضائل الأخلاق التي هي الأوساط المثبتة من صاحب الشريعة و الاجتناب عن رذائلها التي هي الأطراف و لو قصر أدر كنه الهلاكة الأبدية (نراقی، بی تا، ج ۱: ص ۴۲).





ثبات و جامعیت این مبنا زمانی روشن می‌گردد که منشأ فطری و عقلایی آن یادآوری شود.

اخلاق، وسیله ارزیابی قوانین حقوقی است؛ بنابراین، دولت در تصویب قوانین آزاد نیست و اخلاقیات در قوانین نفوذ می‌کنند. حقوق، رسوب تاریخی اخلاق است و قواعد اخلاقی موجب تعادل قواعد حقوقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۸۷). اخلاق عامل تحدید حقوق است. قانونی که اخلاق در آن مورد توجه قرار نگرفته باشد، با پذیرش عموم همراه نمی‌شود و در نتیجه، در اجرای آن اشکال پیش می‌آید. یکی از اهداف مشترک اخلاق و حقوق، «منع اضرار» است (نیکخواه و علی‌عسگری، ۱۳۹۴، ص ۱۹)؛ تا آنجا که گاه اجرای اخلاق را وظیفه واقعی حقوق دانسته‌اند (همان، ص ۲۰).

شریعت نیز هرگز با ضرر موافق نیست؛ از این رو، هم قاعده «لاضرر» را وضع کرده و هم عدالت را از اهداف خود برشمرده است (پورسعید و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۳۰). تأثیر اخلاق بر حقوق گاهی غیرمستقیم و با واسطه است؛ به نحوی که اصول اخلاقی ریشه بسیاری از عرف و عادات تثبیت شده‌ای است که از منابع مسلم علم حقوق محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، گاهی اخلاق با لباس عرف و عادت تجلی می‌یابد و در حقوق رسوخ می‌کند.

اصل حاکمیت اراده، یکی از اصول است که نظر به جایگاه والای انسان، این اعتبار را برای اراده اشخاص قائل می‌شود؛ اصل آزادی قراردادی، یکی از وجوه اصل حاکمیت اراده و یک اصل اجتماعی است که قانون‌گذار، حاکمیت آن را بر قراردادهای طرح کرده است. این اصل که در ماده ۱۰ قانون مدنی شناسایی شده است، مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی درباره کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد، نافذند».

اصل آزادی قرارداد که از اختیار انسان بر سرنوشت خویش نشأت می‌گیرد، مطلق نیست؛ در همین راستا، قسمت دوم ماده ۱۰ قانون مدنی عدم مخالفت صریح

قرارداد با قانون امری را به عنوان محدوده آزادی قراردادی تعیین کرده است. علاوه بر این، یکی از شرایط عمومی معاملات، جهت مشروع است که در بند ۴ ماده ۱۹۰ ق.م. یکی از شرایط اساسی قرارداد ذکر شده است. همچنین، به موجب ماده ۲۱۷ قانون مذکور، «در معامله لازم نیست جهت آن تصریح شود، لکن اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و الا معامله باطل است».

سؤالاتی است که نویسنده را به تحقیق در موضوع حاضر واداشته است، عبارت‌اند از: رویکرد اخلاقی و آثار کاربردی و عملی مواد قانونی مربوط به جهت معامله و آثار بطلان معامله با جهت نامشروع چیست؟ فلسفه حدود و شرایط آن موجد چه آثار اخلاقی است؟ تصریح به جهت قرارداد، اجباری است یا اختیاری؟ رویکرد اختیاری بودن آن متضمن کدام گزاره‌های اخلاقی است؟ ضمانت اجرای بطلان قراردادهای با جهت مصرح نامشروع با کدام یک از دستوره‌های اخلاقی هماهنگ است؟

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نتایج و رویکردهای اخلاقی و اجتماعی این مقررۀ قانونی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی اسلامی است. مبانی تشریح و انشاء این قانون می‌تواند بیانگر فلسفه ایجاد آن و در نتیجه، امکان تعیین مصادیق مشمول ضمانت اجرای بطلان قرارداد باشد.

جنبۀ ابتکاری این پژوهش، سرآغازی بر توجه به آثار اخلاقی قوانین است؛ این نگاه می‌تواند رویکرد اخلاقی - به‌ویژه اخلاق اسلامی - را در تقنین مواد قانونی تعمق ببخشد تا در سیاق قانون‌گذاری، به جنبۀ کارکردی اخلاق به‌عنوان وسیله‌ای مهم در فرهنگ‌سازی و عملی کردن ارزش‌های اخلاقی در جامعه بیشتر توجه شود.

دربارۀ موضوع «جهت معامله» و بررسی صرف حقوقی آن، آثار متعددی وجود دارد (ر.ک: سلیمان کلوانق و دیگران، ۱۳۹۸؛ اصغری آقمشهدی و دیگران، ۱۳۹۵؛ صفایی، ۱۳۵۰ و کتب حقوق مدنی در مبحث شرایط اساسی صحت معاملات)، اما





موضوع پژوهش حاضر، پیشینه‌ای ندارد و رویکرد اخلاقی قاعده حقوقی موصوف با ابتکار نویسنده بررسی گردید. امید آنکه آغازی ادامه‌دار باشد در نگاه اخلاقی به حقوق و لحاظ رویکرد اخلاقی دیگر قواعد حقوقی و قوانین.

شیوه پژوهش اصولاً کتابخانه‌ای است؛ در بررسی موضوع تحقیق، منابع فقهی و علمی مرتبط به دقت مطالعه و بررسی شد. آنگاه برای دستیابی به نتایج عینی، مطالب به دست آمده تحلیل شدند. در تدوین ساختار پژوهش، پس از تشریح مفهوم جهت معامله و ملاک مشروعیت آن، رویکردهای اخلاقی - با تأکید بر اخلاق اسلامی ناظر بر ملاک مشروعیت، بطلان قرارداد با جهت نامشروع و رویکردهای اخلاقی شرط تصریح جهت برای لزوم مشروعیت و همچنین، عدم اختیار در تصریح به جهت قراردادی - بررسی و تبیین می‌گردد.

۱. مفهوم حقوقی جهت قرارداد و ملاک مشروع بودن آن

۱-۱. مفهوم حقوقی جهت قرارداد

بند چهارم ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی سابق فرانسه، «علت مشروع تعهد» را یکی از شرایط اساسی معاملات ذکر کرده بود، ولی در ماده ۱۱۲۸ قانون جدید این شرط حذف شده است. همچنین، ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی سابق فرانسه مقرر می‌داشت: «تعهد بدون علت یا مبتنی بر علت غلط یا نامشروع، هیچ اثری نمی‌تواند داشته باشد»، لکن در قانون مدنی جدید به موجب ماده ۱۱۶۱، نقض نظم عمومی به وسیله محتوا و هدف قرارداد غیرممکن است.

در ایران، متأثر از فقه اسلامی، مشروعیت جهت معامله صریحاً شرط دانسته شده است؛ بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، «مشروعیت جهت معامله» را یکی از شرایط اساسی صحت معامله معرفی می‌کند. همچنین، ماده ۲۱۷ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «در معامله لازم نیست جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و الا معامله باطل است».

جهت معامله (motive)، انگیزه شخص از انعقاد قرارداد است. اشخاص در هر کاری که انجام می‌دهند، انگیزه‌ای دارند؛ در تشکیل و انعقاد قراردادها نیز انجام معامله مسبوق به هدفی است. در نظرگاه حقوقی، این مفهوم از علت تعهد متمایز است. البته به نظر برخی، «علت تعهد» با «علت قرارداد» یکسان نیست؛ اولی، جنبه نوعی دارد و دومی، شخصی است.

منظور از علت قرارداد، همان جهت معامله موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی است (هراتی، ۱۳۹۹، ص ۳۸۲). علت تعهد در هر نوع از عقود مانند بیع، اجاره یکسان است؛ بنابراین، علت تعهد (برخلاف جهت قرارداد)، خارج از مصادیق حریم خصوصی به منزله یکی از مقوله‌های حوزه اخلاقی است

انگیزه‌های اشخاص، موضوعی شخصی است و جنبه نوعی ندارد؛ بر خلاف علت معامله که هدف مستقیم و به صورت نوعی است (امامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۲۲۵). جهت معامله، هدف و انگیزه شخص از انعقاد قرارداد است. ممکن است هدف کسی از خریدن خودرو، مسافرکشی باشد و شخص دیگر، برای حمل مواد مخدر، خودرو بخرد یا ممکن است انگیزه فروشنده خودرو، خریدن خودروی دیگر یا تعمیر منزل مسکونی با استفاده از ثمن معامله باشد.

آنچه در بند ۴ آمده، منظور جهت معامله و انگیزه افراد از انعقاد معامله است. هدف از انجام معامله نباید مغایر با نظم عمومی و اجتماعی یا اخلاق حسنه باشد. این منع قانونی متضمن رویکردهای اخلاقی است تا قرارداد وسیله‌ای علیه اخلاق اجتماعی نگردد.

علاوه بر این، نحوه و شرایط ممنوعیت و ضمانت اجرای حقوقی این امر نیز موجب آثار اخلاقی است که تحلیل آن موجب تأمل قانون‌گذار در وضع قواعد حقوقی خواهد شد.





۱-۲. ملاک نامشروع بودن جهت قرارداد

مشروع اصطلاحی متضمن اصول و بایدهاست. در مفهوم عام و لغوی، این اصطلاح به شریعت اختصاص ندارد. این بایدها می‌تواند دین یا قانون باشد و چنانچه امری منافی یکی از این مصادیق باشد، در زمره امور نامشروع قرار می‌گیرد.

در واقع، مشروع بودن یک شرط اخلاقی و اجتماعی است که هدف از آن صیانت از هنجارها و رفتارهای اخلاقی اشخاص در جامعه است تا به موجب قرارداد، اهداف نادرست خود را عملی نکنند. رویکرد اخلاقی این مقررۀ قانونی، عدم حمایت قرارداد از جهات مغایر با قوانین امری، نظم عمومی و ارزش‌های اخلاقی است.

در جامعه اسلامی، عدم مخالفت قرارداد با احکام و مقررات مندرج در کتاب و سنت و لزوم عدم مخالفت با مقررات شرع از شرایط نفوذ و اعتبار قرارداد است. علاوه بر آن، باید قوانین و مقررات عرفی و عقلایی را نیز رعایت کرده، برخلاف آن توافق نکنند (قنوتی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴).

همچنین، در حقوق اسلام در لزوم رعایت اخلاق حسنه و ضرورت عدم مخالفت التزامات قراردادی با نظام اخلاقی جامعه تردیدی نیست؛ زیرا در جامعه اسلامی، مقررات اخلاقی از دین اسلام نشأت گرفته و بخشی از احکام و مقررات آن به شمار می‌روند و اعتبار و نفوذ قرارداد منوط به رعایت احکام و مقررات شرع است (همان، ص ۲۱۵).

بنابراین، عناصر شرع، قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه، معیار مشروع بودن است؛ به طوری که مخالفت با آن‌ها نامشروع بودن امور را سبب می‌گردد. ملاک نامشروع بودن در منابع فقهی، انگیزه و جهت برای امور حرام و محرّمات است و تمامی جهاتی که مصداق گناه و حرمت است، مشمول ممنوعیت این قاعده قرار می‌گیرند.

در فقه، هر معامله‌ای که برای تحصیل حرام باشد، نامشروع است؛ مانند اجاره دادن مسکن و وسایل حمل و سواری برای ظلم، فروش انگور و خرما برای تبدیل به مسکر و فروش چوب برای ساخت بت یا وسایل غنا:

«الإجارة والبيع - بل كلّ معاملة و تكسب - للمحرّم كإجارة المساكن و الحمولات للخمر و ركوب الظلمة و إسكانهم للظلم و بيع العنب و التمر و غيرهما ممّا يعمل منه المسكر ليعمل خمرا و الخشب ليعمل صنما أو بربطا» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴: ص ۹۵). فقها درباره حرمت معامله برای مقصود حرام، اجماع دارند: «و الحاصل: أن يكون المحرّم هو غاية البيع و المقصود منه ممّا لا خلاف فيها و عليه في المنتهى الإجماع و هو الحجّة فيه مع كونه بنفسه فعلا محرّما لما بينا في موضعه» (همان، ص ۹۵-۹۶).

از نظر اسلام، حفظ نظام جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و حقوقی و دیگر نظامات اجتماعی، ضروری است. (قنواتی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴). بر این اساس، یکی دیگر از معیارهای مشروع بودن، نظم عمومی است.

مفهوم نظم عمومی به دلایلی مبهم است؛ از همین رو، تعریف آن دشوار به نظر می‌رسد. نظم عمومی، مسئله‌ای مرتبط با اخلاق، سیاست، اقتصاد و مبانی تمدن حاکم بر یک کشور است و از آنجا که این امور از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، به تبع مفهوم و مصادیق نظم عمومی نیز از کشوری به کشور دیگر، مختلف است. این نسبیّت هم مکانی است و هم زمانی؛ بدین معنا که نظم عمومی، امر نسبی است که از مکانی به مکان دیگر متفاوت است و طی زمان نیز دگرگون می‌شود.

یکی از نویسندگان فرانسوی، نظم عمومی را «مجموعه عناصر اساسی حقوق هر کشور که مورد احترام بوده و محدودکننده حقوق آزادی‌هاست» (picard, 2001, p. 18-20) تعریف کرده است.





نویسنده‌ای دیگر، با ذکر مصادیق، نظم عمومی را شامل «امنیت، آزادی، دموکراسی و اعتقادات اجتماعی یا دین معین» دانسته است (مسلم، ۱۴۱۵ق، ص ۲۳). در انگلستان نیز قانونی که با سیاست قانون‌گذاری، آداب عمومی و قواعد اخلاقی آن کشور مغایر باشد، مخالف نظم عمومی تلقی می‌شود (Ellito, 2000, p. 455-456).

حقوق خصوصی، اعتبار قراردادهای قانونی‌ای را که مخالف نظم عمومی باشند یا جهت و انگیزه آن‌ها صرفاً نامشروع و مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد، به رسمیت نشناخته، آن‌ها را باطل می‌داند و همچنین، اجرای قانون خارجی مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه را منع می‌کند.

منظور از اخلاق حسنه، منش و کردار پرهیزکاران جامعه است. «اخلاق حسنه نیز چهره خاصی از نظم عمومی است؛ آن بخش از اخلاق که هنوز در قوانین نفوذ نکرده و ضامن اجرای آن تنها وجدان اجتماعی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۵۲)، رفتاری که هر کس به مثابه یک شخص بهنجار بروز می‌دهد و شیوه عملی که مورد تأیید خردمندان جامعه است. حوزه اخلاق، نقطه اشتراک تمام مکاتب و دیدگاه‌هاست (شاهسواری و پورعزت، ۱۳۹۹، ص ۳۶)، ولی مصادیق اخلاق و ضداخلاق، بسته به مبنای دیدگاه، ممکن است متفاوت باشد؛ در اخلاق لیبرالیسم، فهم عرفی جامعه زمینه معرفت اخلاقی است. منشأ این امر، انکار واقع‌گرایی اخلاقی و ارتباط آن با واقعیت‌های عینی است (مک‌ناتن، ۱۳۸۳، ص ۲۰ و ۳۶). محصول این طرز تلقی در امر قانون‌گذاری، تصویب قوانین طبق امیال و ذائقه جامعه است که با لحاظ زیاده‌خواهی غرایز انسانی، امکان محو شدن تدریجی ارزش‌های مسلم اخلاق و عدالت مفروض است (ملکی و اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۱۹۱).

بر خلاف این تفکر نسبی‌گرایی اخلاقی، اخلاق اسلامی مبتنی بر اصول ثابت و مسلم اخلاقی و فارغ از تزلزل‌پذیری ناشی از زمان و مکان و امیال غریزی است. دروغ، ریا، تجاوز، شهوت‌رانی و رفتارهای حیوانی همیشه و در هر جا مخالف فطرت

انسان است و جواز اخلاقی بودن آنها، به فراخور امیال نفسانی و لذت طلبی جامعه، غیر عقلانی و موجد رویکردهای اخلاقی در سطح حیوانی است.

در امر اخلاقی، اقناع عینی (نه شخصی) موجود است و همین موضوع، قابلیت داوری درباره نیت شخص انجام دهنده و عمل اخلاقی را ممکن می‌سازد. به عبارت دیگر، امور اخلاقی، اموری عینی و مشخص‌اند و سلیق و امیال اشخاص تعیین کننده آنها نیستند؛ به طوری که امر اخلاقی از هر کس صادر شود، اخلاقی است و نقض آن از هر کس سر بزند، غیر اخلاقی است.

فعل اخلاقی، موجد خوی نیک و فضیلت است و وجه ممیز آن خصوصیتی مانند ماهوی، مطلوب بالذات و فراگیر بودن است (راسخ و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۲۶-۲۵). فارابی نیز به افعال ارادی مانع و نافع حصول سعادت و مطلوبیت ذاتی سعادت، این گونه اشاره می‌کند:

«و ذلك أن من الأفعال الارادية ما يعوق عن السعادة و السعادة هي الخير المطلوب لذاته... و الأفعال الارادية التي تنفع في بلوغ السعادة هي الأفعال الجميلة و الهيئات و الملكات التي تصدر عنها هذه الأفعال هي الفضائل و هذه خيرات هي لا لأجل ذواتها بل انما هي خيرات لأجل السعادة و الأفعال التي تعوق عن السعادة هي الشرور و هي الأفعال القبيحة و الهيئات و الملكات التي عنها تكون هذه الأفعال هي النقائص و الرذائل و الخسائس» (فارابی، بی تا، ص ۱۰۱).

در جهان بینی اسلامی، «یاد خدا، در واقع، انسان را از خود حیوانی تهی می‌کند و بدین وسیله، انسان می‌تواند خویشتن را از رذایل اخلاقی پاک نماید و خود انسانی خویش را بیابد» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

در گستره جهانی، تأکید بر اخلاقیات، یکی از موضوعات مسلم برای اشاعه حکمرانی خوب است (نعمتی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۸) که قانون جهت نامشروع و انگیزه‌های پلید اشخاص را در انعقاد قرارداد بلااثر می‌کند، این گونه اشخاص را در رسیدن به اهداف پلید و غیر قانونی ناکام می‌گذارد و بدین ترتیب، مانع





ترویج این عمل شده، به رسالت خطیر حقوق که در نهایت توسعه عدالت است، کمک می‌کند.

مطابق متون فقهی، درآمد حاصل از اجاره‌دادن بیت برای فروش خمر در آن، حرام است:

«أحمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن إسماعیل عن علی بن النعمان عن ابن مسکان عن عبد المؤمن عن جابر قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يواجر بيته يباع فيه الخمر فقال: حرام أجره».

این عبارت بر اختصاص حرمت به موارد معلوم دلالت دارد و از جواز مطروحه درباره اجاره کشتی، عدم حرمت در موارد تردید استنباط می‌گردد:

«أنه يجوز أن يكون الخبر الأول متوجها إلى من يعلم أنه يباع فيه الخمر و يؤجر على ذلك فإنه إذا كان كذلك كانت الأجرة حراما، و الخبر الثاني يتوجه إلى من يواجر دابته أو سفينته و هو لا يعلم ما يحمل عليها أو فيها فحمل فيه ذلك لم يكن عليه شيء، و الوجه الآخر: انه إنما حرم إجارته لمن يبيع الخمر لان بيع الخمر حرام و أجاز إجارة السفينة لمن يحمل فيها الخمر لان حملها ليس بحرام لأنه يجوز أن يحمل ليجعلها خلا و على الوجهين جميعا لاتنافي بين الخبرين» (طوسی، ۱۳۶۳، ص ۵۵-۵۶).

مطابق برخی منابع، شرط استفادة مبيع در حرام به این دلیل که مسلوب‌المنفعه است و در نتیجه، به مالکیت در نمی‌آید و مال محسوب نمی‌گردد، باطل دانسته شده است:

«شرط الانتفاع بالمحرم و هو باطل فلا محالة يكون المشتري محروما عن الانتفاع بالمبيع مطلقا شرعا و شرطا و هو المنظور من المخالفة لمقتضى العقد لدى العقلاء فإن الشيء المسلوب المنفعة مطلقا لا يعد ملكا و لا مالا» (موسوی الخمينی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۱۷).

عبارت مذکور در مقام توضیح شرط نامشروع است، نه جهت نامشروع.

۲. مبانی و رویکردهای اخلاقی موازین قانونی جهت قرارداد

در حقوق فرانسه، تصریح به جهت نامشروع لازم دانسته نشده و در معاملات معوض، اطلاع مخاطب از جهت نامشروع برای بطلان عقد ضروری است (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۷)؛ اما در عقود رایگان (بلاعوض)، انگیزه نامشروع حتی بدون آگاهی طرف معامله از آن، سبب بطلان است (دیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳-۱۱۴). این ترتیب، یعنی عدم لزوم به تصریح و تفکیک بین عقود معوض و مجانی، وجه تمایز حقوق ایران است؛ ماده ۲۱۷ قانون مدنی ایران، حکم قرارداد با جهت نامشروع را باطل دانسته و تأثیر جهت نامشروع را منوط به تصریح آن کرده است. این ترتیب قانون واجد رویکردهای اخلاقی است.

۲-۱. رویکرد اخلاقی حکم بطلان قرارداد جهت نامشروع

۲-۱-۱. ممانعت از معاونت بر اثم

بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، مشروعیت جهت معامله را در شمار شرایط اساسی صحت معاملات آورده است. عده‌ای از تعارض ناآگاهانه این دو ماده سخن گفته‌اند و به درستی به عدم امکان تلقی از جهت مشروع به منزله یکی از شروط تشکیل عقد اشاره کرده‌اند، لکن مشروعیت جهت را شرط نفوذ معرفی کرده‌اند (هراتی، ۱۳۹۹، ص ۳۹۷). احتساب جهت مشروع، به عنوان شرط نفوذ، بر هیچ یک از مواد قانونی یا متون فقهی مبتنی نیست، بلکه با توجه به ماده ۲۱۷ ق.م. باید آن را مانع یا شرط منفی (آن هم در صورت تصریح) تلقی کرد؛ بنابراین، ضمانت اجرای جهت نامشروع، بطلان قرارداد است، نه عدم نفوذ.

در اسلام تعاون در اثم و عدوان نهی شده است: ﴿... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده، ۲). در مستند الشیعه، مستند به کتاب و سنت و اجماع، به شمول عنوان معاونت در اثم بر معامله با جهت نامشروع و در نتیجه، حرمت آن تصریح شده است:





«أن فعل المباح بقصد التوصل به إلى الحرام محرّم و مع أنه معاونة على الإثم المحرّم كتابا و سنّة و إجماعا. و قد يستدلّ برواية جابر: عن الرجل يؤاجر بيته يباع فيه الخمر، قال: حرام أجرته» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴: ص ۹۶).

بر اساس ماده ۲۱۷ قانون مدنی، ضرورت مشروع بودن جهت معامله به مواردی مربوط است که بدان تصریح شود. این ماده قانونی بر مبنای تحریم معاونت در گناه، طرح قابل توجیهی را درباره حدود تأثیر جهت نامشروع در معاملات بیان می‌دارد؛ زیرا تنها در موارد اتفاق متعاقدين است که تعاون در گناه صدق می‌کند.

تصریح به جهت نامشروع در قرارداد به چند نحو ممکن است؛ یا قرارداد بر مبنای استفاده در جهت نامشروع منعقد گردد یا اینکه این موضوع در قرارداد شرط شود که در این صورت قرارداد، باطل است. قید جهت نامشروع به وسیله شرط ضمن عقد، نمونه بارز تصریح محسوب می‌شود. در فقه، به شمول حرمت به صورت شرط در عقد یا اتفاق متعاملین بر جهت نامشروع معامله تصریح شده است: «والظاهر أن حرمة إذا شرط المحرّم فی العقد أم حصل اتفاقهما علیه» (همان، ص ۹۵).

همچنین، در مکاسب، در نحوه تصریح جهت در عقد اجاره، به قید جهت اجاره و دلالت فحوی بر آن اشاره شده است:

«فإنه إما مقيد بما إذا استأجره لذلك أو يدلّ عليه بالفحوى بناء على ما سيحییء من حرمة العقد مع من يعلم أنه يصرف المعقود عليه فى الحرام. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۱۲۳).

در این عبارات، جهت نامشروع به صورت شرط یا اتفاق بر آن، نمایانگر مبنای معاونت بر اثم برای ممنوعیت این دسته از عقود است.

حقوق دانان در مواردی که طرف مقابل بدون آنکه به جهت نامشروع تصریح شود، از آن آگاهی دارد، نظرهای مختلفی دارند؛ برخی معتقدند ماده ۲۱۷ قانون مدنی در مقام بیان ضرورت آگاه ساختن طرف است تا انگیزه‌های پنهانی در معامله مؤثر نباشد. تصریح تنها وسیله این اعلام نیست و این ماده، مورد غالب (یعنی



تصریح) را ذکر کرده است. لذا هرگاه طرف مقابل، از جهت نامشروع آگاه بوده است یا وضعیت معامله به نحوی بوده که طرف عقد می‌توانسته مطلع شود، نباید معامله را به دلیل عدم تصریح به جهت نامشروع صحیح دانست و اشخاص را در تبانی و معاونت برای رسیدن به مقاصد نامشروع آزاد گذاشت. نظر دیگر مبنی بر لزوم تصریح به جهت نامشروع برای بطلان معامله است؛ زیرا اگر منظور و هدف قانون‌گذار از قید تصریح، آگاهی مخاطب بود، همین شرط یعنی «آگاهی طرف عقد» را مقرر می‌کرد.

از طرف دیگر، اصل عدم مانع و اصل صحت، در صورت تردید اقتضا می‌کند که جز در موارد تصریح، هرچند طرف مقابل به جهت نامشروع علم داشته باشد، معامله را صحیح تلقی کنیم (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۲-۳۴۳). نظر اول، یعنی کفایت اطلاع طرف مقابل بدون تصریح برای بطلان عقد، به فلسفه ممنوعیت جهت نامشروع در قرارداد و جلوگیری از معاملات با انگیزه نامشروع نزدیک‌تر است، اما نظر دوم با اصول و نص ماده ۲۱۷ قانون مدنی انطباق بیشتری دارد.

به نظر می‌رسد تفسیر واژه «تصریح» به این اختلاف نظر منجر شده است؛ عده‌ای تصریح را «مضیق» تفسیر می‌کنند و منظور از آن را تصریح و بیان از سوی طرفین می‌دانند (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) و عده‌ای دیگر، تصریح را به معنای اعم در نظر می‌گیرند. در این دیدگاه، چنانچه هیچ‌کدام از طرفین اذعان به انگیزه و جهت معامله نکنند، لکن یکی از آن‌ها از هدف نامشروع طرف مقابل در انجام معامله مطلع باشد، شرط تأثیر جهت و بطلان عقد محقق شده است.

در مکاسب، حرمت بیع برای کسی که علم دارد مبیع در حرام صرف می‌شود، داخل در منع عموم نهی از تعاون در گناه و عدوان است: «و کیف کان، فقد یستدلّ علی حرمة البیع ممّن یعلم أنّه یصرف المبیع فی الحرام بعموم النهی عن التعاون علی الإثم و العدوان» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۱۳۲). بنابراین، اگر بر مبنای حکم تحریم معاونت در گناه اظهار نظر شود، باید به کفایت اطلاع طرف عقد از جهت



نامشروع طرف دیگر قائل باشیم؛ چه تشکیل قرارداد با علم طرفین به جهت نامشروع مصداق معاونت در گناه است، حتی اگر بدان تصریح نشود.

چنانچه جهت معامله متعدد باشد، عدم مشروعیت یکی از آن‌ها برای تأثیرگذاری و بطلان عقد کافی است. در واقع، در این فرض نیز مبنای قاعده حقوقی اعم از معاونت در اثم یا استفاده از قرارداد در جهت منافی نظم عمومی و یا اخلاق حسنه تحقق می‌یابد.

در مواردی که طرفین درباره جهت تصریح شده در قرارداد دچار اشتباه حکمی شده‌اند - برای مثال، از نامشروع بودن جهت قمار یا خرید خوک آگاهی نداشته‌اند - چنانچه قصد را در جهت نامشروع لازم ندانیم، باید قرارداد را حتی در این موارد باطل بدانیم؛ اما اگر قصد طرفین برای مانعیت تشکیل عقد، لازم باشد باید این معاملات را صحیح تلقی کنیم. همچنین، در صورت حدوث اشتباه موضوعی درباره جهت تصریح شده - برای مثال، طرفین جهت معامله را خرید بطری‌های نوشابه مجاز بیان کنند و سپس، مشخص شود بطری‌های مزبور حاوی مشروبات الکلی بوده است - وجود قصد برای تحقق اعانت در گناه ضروری است:

«و قال المحقق الأردبیلی فی آیات أحكامه فی الکلام علی الآیة: الظاهر أن المراد الإعانة علی المعاصی مع القصد أو علی الوجه الذی ینصدق أنها إعانة مثل أن ینطلب الظالم العصا من شخص لضرب مظلوم فیعطیه إياها أو ینطلب القلم لكتابة ظلم فیعطیه إياها» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج: ۱، ص: ۱۳۵)، «لکن أقول: لا شک فی أنه إذا لم یکن مقصود الفاعل من الفعل وصول الغیر إلی مقصده ولا إلی مقدمة من مقدماته بل ینترتب علیه الوصول من دون قصد الفاعل فلا یسمی إعانة» (همان، ص: ۱۳۶).

بنابراین، در موارد حدوث اشتباه در مشروعیت، اگر مبنا حرمت تعاون در ارتکاب گناه باشد، در صورت اثبات آن باید عدم مانعیت و در نتیجه، صحت قرارداد را تأیید کرد. بر همین مبنا، چنانچه طرفین، جهت مصرحه را نامشروع دانسته باشند،

لکن مشروع باشد - به دلیل عدم صدق معاونت در گناه - این پندار غلط خللی در صحت قرارداد ایجاد نمی کند.

تصریح به جهت معامله اصولاً حین تشکیل عقد صورت می گیرد. چنانچه تصریح به جهت معامله در حین تشکیل عقد مسکوت ماند، تشکیل عقد با مانعی مواجه نیست؛ مگر اینکه قبل از زمان تشکیل، به نامشروع بودن جهت تصریح شود یا در مذاکرات قبل از عقد بر آن توافق شود. چنانچه بین جهت مصرحاً قبل از عقد و حین العقد تعارض افتد، جهت تصریح شده حین تشکیل عقد تعیین کننده است و اگر جهت اخیر نامشروع باشد، مانع عقد است و در نتیجه، بطلان عقد رخ می دهد؛ حتی اگر جهت پیشین مشروع بوده باشد.

در این فرض، رویکرد تعاون در گناه محقق می شود. در صورتی که جهت سابق بر عقد، نامشروع و جهت حین عقد، مشروع باشد، مانع قبلی زایل و در نتیجه، عقد صحیح است. حتی اگر از جهت نامشروع قبلی در زمان تشکیل صرفاً عدول شود، بدون اینکه جهت مشروعی مورد تصریح یا توافق قرار گیرد، وضعیت جهت مسکوت حاکم است و مانع ایجاد عقد برطرف می گردد؛ چه تصریح به جهت مشروع، شرط تشکیل نیست، بلکه تصریح به جهت نامشروع، مانع عقد است. در این موارد، با عدول از جهت نامشروع معاونت در اثم به عنوان مبنا و رویکرد جهت قرارداد منتفی می شود.

همچنین، تصریح به جهت نامشروع معامله ای که قبلاً منعقد شده است، اثری در قرارداد ندارد؛ آنچه موجب بطلان است، انعقاد قرارداد توسط طرفین برای تحقق هدف نامشروع است که در این فرض چنین نیست.

در واقع، هدف این بوده که قرارداد، مصداق اعانه در اثم و وسیله حصول نیات نامشروع نگردد. در فرض اعلام جهت نامشروع پس از تشکیل قرارداد، هدف منع و رویکرد وسیله زدایی عقد در اجرای اهداف غیرمشروع موضوعاً منتفی است.



در مواردی که جهت نامشروع قبل از ایجاد عقد توسط طرفین یا یکی از آنها تصریح شده یا بر آن توافق گردیده است، چنانچه عدول از جهت نامشروع تا قبل از انعقاد قرارداد به عمل نیاید، از نظر تأثیر به منزله تصریح حین العقد است؛ زیرا با استصحاب آن، باید جزء قرارداد تلقی شود. لکن چنانچه تا هر زمان قبل از وقوع عقد و تا زمان قبول به منزله رکن پایانی تشکیل عقد، طرفین یا طرف مزبور از جهت نامشروع عدول کنند، مانع تشکیل عقد بر طرف شده است. این عدول می‌تواند صرفاً عدول از جهت تصریح شده یا توافق شده باشد یا با تغییر جهت و تصریح به جهتی مشروع - با عدول از جهت نامشروع - از شمول عنوان معاونت در گناه خارج گردد. بنابراین، پشیمانی و تغییر نظر طرف یا طرفین از جهت نامشروع به مشروع و بالعکس - و هر کدام بعد از تصریح و قبل (حین) عقد - مؤثر است، لکن پس از تشکیل عقد، مؤثر نیست.

۲-۲. رویکرد اخلاقی شرط تصریح و اجباری نبودن تصریح به جهت قرارداد

۲-۲-۱. صیانت از حریم خصوصی و خودداری از تجسس

حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است. این حق در زمره مهم‌ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد؛ بنابراین، حمایت از شخصیت انسانی مستلزم حمایت از این حق است (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۲). مفهوم و دامنه این حق بر حسب فرهنگ جامعه و حکومت موجود تعیین می‌شود (رحمدل، ۱۳۸۴، ص ۱۲۱). در جوامع اروپایی، این مفهوم با تأخیر شناسایی شد، لکن مفهوم آن در این جوامع از دیگر جوامع وسیع‌تر است (همان، ص ۱۲۳). در بیان مبانی حریم خصوصی از مواردی مانند ارزش‌های اخلاقی، حمایت از آزادی و استقلال فردی، حفظ کرامت، آبرو و حیثیت افراد و نیاز فطری انسان به حریم خصوصی نام برده شده است (معین‌زاده میرحسینی و فتح‌اللهی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۱-۱۲۲).



جهت قرارداد در هر عقدی و با توجه به هر طرف معامله ممکن است متفاوت باشد؛ زیرا انگیزه و هدف شخصی است و بنابراین، از داده‌ها و مصادیق مشمول عنوان حریم خصوصی است. حریم شخصی، یک نیاز است و چهار عملکرد استقلال، حفظ حریم و خلوت، امنیت و تعیین هویت شخصی در پرتو آن محقق می‌شود. حفظ حریم شخصی موجب آرامش انسان و رفاه و سلامت اوست (دهقانی مبارکه و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹) و عدم رعایت آن موجب ازدیاد اضطراب و استرس و رفتارهای خشن است (همان، ص ۱۰).

به نظر برخی، حریم خصوصی از فرد در برابر دسترسی دیگران محافظت می‌کند و موجب می‌شود برخلاف میل خود، در دسترس افراد دیگر قرار نگیرد (راسخ و دومانلو، ۱۳۹۵، ص ۲۲). کرامت انسانی، خودآینی و صمیمیت، ارزش‌هایی هستند که با نقض حریم خصوصی به مخاطره می‌افتند (همان، ص ۲۳). منظور از خودآینی این است که هر کس اختیار دارد برنامه و سرنوشت خود را بر اساس آرمان‌های خود تعیین کند. حریم خصوصی این امکان را برای فرد فراهم می‌سازد تا بر نحوه و مدیریت روابط خود با دیگران مسلط باشد و بر آن نظارت کند (همان‌جا).

قانون‌گذار مبارزه با این انگیزه‌های نامشروع را صرفاً در مواردی مقرر می‌دارد که با تصریح به آن‌ها، جنبه اجتماعی پیدا کنند و بدین گونه، از حریم آزادی فردی که اصولاً از حوزه اطلاع و تیررس آگاهی افراد دیگر خارج است، به بهانه انگیزه نامشروع سوءاستفاده نشود و معاملات در معرض تزلزل قرار نگیرند. مطابق ماده ۲۱۷ ق.م. تصریح به جهت معامله ضروری نیست و تصریح به هدف از انعقاد قرارداد، اختیاری است و فقط در صورت تصریح است که نباید نامشروع باشد؛ چون جهت معامله موضوعی شخصی است و قانون‌گذار نخواسته است به وسیله قرارداد، زمینه ورود به حریم خصوصی را ایجاد کند.

به حریم خصوصی افراد احترام گذاشته تا افراد مجبور به تصریح انگیزه‌ها نشوند و بدین گونه، امنیت حریم شخصی افراد حفظ شود و با فاش شدن آن به مخاطره





نیفتد. چنانچه به موجب قانون در قراردادها تصریح به جهت معامله ضروری بود، قرارداد سبب آشکار شدن انگیزه و هدف از معامله افراد می‌گردد. حال آنکه جهت و انگیزه انجام معامله، مصداقی از حریم خصوصی تلقی می‌شود و افراد حق دارند هدف از معامله را پنهان کنند. رویکرد اخلاقی این عدم الزام، حفظ حریم خصوصی معامله کنندگان است.

در قرآن کریم نیز بر ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ (حجرات، ۱۲). همچنین، در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور، مراعات حرمت محل سکونت بیان شده و ورود به مسکن غیر به اذن صاحب آن منوط شده است. در منابع فقهی، گاه از تجسس و مفاهیم مأخوذ از آن در مفهوم خیانت به حکومت اسلامی استفاده شده است. در هر حال، حکم آن در ادله احکام فقه امامیه، حرمت است (صالحی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۸۵).

البته مقنن اسلامی، جاسوسی نامشروع شامل تجسس در اسرار خصوصی مردم و جاسوسی به نفع دشمنان اسلام را ممنوع و جاسوسی مشروع شامل مراقبت از کارگزاران حکومتی و جاسوسی علیه مخالفان و اعدای اسلام را مجاز می‌داند (قدسی، ۱۳۹۲، ص ۷۸-۷۹).

در امر به معروف و نهی از منکر لازم است که علم به صدور آن رسیده باشد، بدون اینکه تفحص یا تجسس کند؛ اما در صورت احتمال یا مظنه، تجسس جایز نیست و نباید درصدد فحص برآمد (نراقی، ۱۳۹۴، ص ۴۳۰). تجسس از پیامدهای سوءظن تلقی شده است و در موارد ظن، قلب به ظن قانع نمی‌گردد و مطالبه تحقیق می‌کند و فرد مشغول به تجسس می‌گردد (غزالی، بی تا، ج ۹: ص ۶۵).

در حالی که یکی از شرایط نهی از منکر، ظاهر بودن آن بدون تجسس است: «و هو کل منکر موجود فی الحال، ظاهر للمحتسب بغیر تجسس، معلوم کونه منکرا بغیر اجتهاد» (همان، ص ۳۵).

بنابراین، با اختیاری بودن بیان جهت و انگیزه قرارداد و اختصاص شرط مشروعیت جهت به موارد مصرحه، زمینه تجسس از انگیزه‌ها و زندگی خصوصی افراد منتفی می‌گردد. در واقع، تصریح به جهت و در نتیجه، ضرورت مشروعیت آن به نحو مطلق، شرط صحت قرارداد نیست. رویکرد اخلاقی این نظم حقوقی، لازم نبودن تجسس برای ورود به اهداف شخصی طرف معامله است؛ چه بر اساس قانون، جهت نامشروع پنهان تأثیری بر اعتبار قرارداد ندارد.

۲-۲-۲. ممانعت از ایجاد زمینه دروغ و ریا

همه اقسام ریا شرعاً مذموم و از گناهان و مهلکات بزرگ است و بر حرمت آن، اجماع امت منعقد و آیات و اخبار یکدیگر را متعارض است (نراقی، ۱۳۹۴، ص ۵۱۲)؛ از جمله در آیات ۶ سوره ماعون و ۱۴۲ سوره نساء، ریا مذمت شده است. مطابق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بدترین بندگان در روز قیامت، انسان دورو است (نراقی، ۱۳۹۴، ص ۵۳۲). روایتی در *اصول کافی* در باب «ذی اللسانین» (یعنی اشخاص دوزبان) آمده است:

«محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن سنان عن عون القلاسی عن ابن ابي یعفور عن ابي عبد الله ع قال: من لقی المسلمین بوجهین و لسانین جاء یوم القیامة و له لسانان من نار؛ هر که با مسلمانان به دورو و دوزبان رفتار کند، روز قیامت بیاید در حالی که برای او دو زبان از آتش باشد» (کلینی، بی تا، ص ۴۲).

شخص دو زبان و دورو برای جلب منافع دنیوی خود در هر شرایط، رنگ عوض می‌کند و برای رسیدن به مقاصد شخصی با مخاطب مطابق تمایلات او سخن می‌گوید. آثار اجتماعی چنین امری، تجاوز، حق‌کشی و سلب اعتماد است. اگر چنین پدیده‌ای شیوع یابد و جزء اوصاف فرهنگی جامعه‌ای گردد، قطعاً روح اعتماد را از بین می‌برد و مکر و حيله را بر جامعه حاکم می‌گرداند.





نفاق، روح تعاون و همکاری را از شخص و به تبع، از جامعه سلب می‌کند. همکاری چنین افرادی دروغین و صرفاً منوط به منافع فردی آنهاست. در روایتی به این رویکرد اشاره شده است:

«عدة من اصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن عيسى عن أبي شيبة عن الزهري عن أبي جعفر عليه السلام قال: بنس العبد عبداً يكون ذا وجهين و ذالسانين، يُطرى أخاه شاهداً و يأكله غائباً أن أعطى حسده و إن ابتلى خذله؛ چه بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که دارای دو رو و دو زبان است. در حضور برادرش او را ستایش کند و در غیابش او را بخورد، اگر دارا شود بر او رشک برد و اگر گرفتار شود، دست از یاری او بردارد» (همان، ص ۴۳).

آسیب روانی ریا، ایجاد وضعیت ناخوشایند روحی و روانی است؛ شخص ریاکار در اوقاتی که در حال بروز حالت غیر واقعی است، متحمل زحمت و خستگی روحی می‌شود. چنین شخصی، به تدریج اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد؛ زیرا نفاق مستلزم اشتغال ذهنی و به تبع آن اشتغال عملی است. اگر شخصی مجبور شود رفتاری برخلاف آنچه اعتقاد دارد بروز دهد و خود را وادارد به غیرباور خود عمل کند، این صفت به تدریج آرامش روانی را از وی سلب می‌کند. ابراز عقیده واقعی و عمل به آن، سبب رسیدن به وحدت روانی و مانع ایجاد تعارض روانی است.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله، دروغ بدون عذر شرعی را موجب لعنت هفتاد هزار فرشته بیان فرموده‌اند. همچنین، از آن حضرت مروی است که دروغ در عرض شرک به خداست و عقوبت والدین در شمار گناهان کبیره قرار دارد (نراقی، ۱۳۹۴، ص ۴۷۹).

امام محمد باقر عليه السلام فرمود: «خدای تعالی برای بدی، قفل‌ها قرار داده است؛ کلید این قفل‌ها شراب است و دروغ، بدتر از شراب است». امیرمؤمنان در روایتی فرمود: «بنده مزه ایمان را نمی‌چشد تا دروغ را ترک کند، خواه از روی شوخی و هزل باشد یا از روی جد» (همان‌جا). اجباری بودن تصریح به جهت معامله، افراد را وادار

می‌کند که به‌طور غیرواقعی، انگیزه و جهتی مشروع (غیر از جهت واقعی) را در قرارداد تصریح کنند. رویکرد این قانون در عمل موجب ترویج اوصاف ریاکاری و دروغ‌گویی می‌شود. در واقع، انگیزه طرفین معامله از انعقاد، چیزی است که غیرمستقیم معامله برای نیل به آن انجام شده است؛ مسئله‌ای خصوصی که ممکن است از شخصی به شخص دیگر متفاوت باشد.

یکی از رسالت‌های حقوق و قوانین، توجه به آثار و رویکردهای اجتماعی و فرهنگی مواد قانونی است و اگر بدین موارد توجه نشود، ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری بر جای گذارد. چنانچه تصریح به انگیزه و جهت قرارداد از سوی قانون‌گذار الزامی باشد، پیامد اجتماعی و فرهنگی آن، ایجاد زمینه و سبب برای رواج نفاق و دورویی است. با توجه به اینکه افراد مختلف، اندیشه‌های گوناگونی دارند و در جوامع مذهبی، سطوح متفاوتی از ایمان وجود دارد، ممکن است هدف از انعقاد قرارداد در بعضی موارد نامشروع یا برخلاف نظم عمومی باشد.

۲-۲-۳. منع اشاعه منکر

چنانچه طرف معامله به جهت معامله و انگیزه خود تصریح کرد، باید این انگیزه مشروع باشد؛ وقتی که انگیزه ابراز می‌شود، از حالت شخصی بودن خارج می‌شود و جنبه اجتماعی به خود می‌گیرد؛ در این صورت، انگیزه عاملی است که بر جامعه تأثیر خواهد گذاشت. از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مروی است: «هر که مرتکب عمل ناشایستی گردد، باید آن را از مردمان بپوشاند تا خدا نیز آن را بپوشاند» (نراقی، ۱۳۹۴، ص ۵۲۰).

چنانچه شخص به انگیزه نامشروع خود از انعقاد معامله تصریح کند، قباح و حرمت عمل نامشروع را در منظر عموم جامعه می‌شکند و موجب رواج انگیزه‌های نامشروع و پلید در جامعه می‌شود و در واقع، اهداف نامشروع و غیرقانونی در جامعه



تبلیغ می‌شوند. منظور از جهت نامشروع، هدفی است که مخالف شرع، قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد. پس، چنانچه کسی جهت معامله و بیع را خریدن مشروبات الکلی یا مواد مخدر بیان کند یا مستأجری هدف و جهت اجاره مکان را انبار مواد مخدر یا انجام اعمال منافی عفت تصریح کند، معامله باطل است. افشای اسرار غیر، حتی اگر گناه نباشد، ممنوع است و دلیل منع، عدم رضایت طرف مقابل است. افشای گناه خود نیز ممنوع و حرام است؛ دلیل این امر جلوگیری از اشاعه فحشاست (در گاهزاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۶۸).



نتیجه‌گیری

مطابق مواد قانونی (بند ۴ ماده ۱۹۰ و ماده ۲۱۷ قانون مدنی)، جهت معامله در مفهوم انگیزه و هدف از تشکیل قرارداد، اگر تصریح شود، باید مشروع باشد. رویکرد اخلاقی حاصل از مقررات قانونی امری درخور توجه است؛ اولاً رویکرد قاعده حقوقی عدم‌الزام به تصریح جهت قرارداد و اختیاری بودن آن، حفظ اهداف شخصی و رعایت حریم خصوصی متعاملین است تا قرارداد موجب ورود به حریم شخصی افراد نشود. رویکرد اخلاقی دیگر در این راستا، جلوگیری از تجسس درباره انگیزه‌های پنهانی اشخاص است.

همچنین، رویکرد اخلاقی اختیاری بودن تصریح جهت معامله، جلوگیری از ایجاد زمینه برخی اوصاف اخلاقی مذموم مانند دروغ و ریاکاری است؛ اگر قانون‌گذار تصریح به جهت و مشروع بودن آن را الزامی کند، کسی که با هدف نامشروع معامله می‌کند - برای فرار از ضمانت اجرای حقوقی بطلان قرارداد - برخلاف واقع، هدف مشروعی را اظهار می‌کند. این امر، فرهنگ دروغ و ریا را به‌طور رسمی رواج می‌دهد.

ثانیاً با وجود عدم الزام به افشای جهت معامله، چنانچه جهت قرارداد تصریح شود باید مشروع باشد؛ ضمانت اجرای حقوقی جهت نامشروع، بطلان قرارداد است. رویکرد اخلاقی این اثر حقوقی، این است که از وسیله‌قرار گرفتن قرارداد برای ارتکاب عمل حرام و جرم جلوگیری شود. ضمانت اجرای بطلان قرارداد با جهت مصرح نامشروع، در مبنای اخلاقی اسلامی حرمت اتفاق یا اظهار گناه و اضرار و همچنین، ممنوعیت و تحریم معاونت در گناه ریشه دارد.

اتفاق بر اهداف نامشروع به اشاعه اعمال حرام و منافی نظم عمومی و ارزش‌های اخلاقی منجر می‌شود. از سوی دیگر، این قاعده هماهنگ با امری است که در شرع با عنوان «پوشاندن گناه» بیان گردیده است. این قاعده حقوقی، می‌خواهد از یک



طرف، امنیت حریم خصوصی افراد و از طرف دیگر، امنیت جامعه را با جلوگیری از رواج انگیزه‌های پلید تأمین کند.

نتایج و رویکردهای اخلاقی و اجتماعی باید از موضوعات مورد توجه قانون‌گذار باشد. ارزیابی آثار اخلاقی و رویکرد فرهنگی هر مقرر، قبل از تصویب قانون، ضرورتی است که بی‌توجهی بدان به تولید قوانینی با رویکرد ضد اخلاقی و ضد اجتماعی منجر خواهد شد.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. اصغری آقمشهدی، فخرالدین، سید مسیح حسینی و محمد باقر اصغری آقمشهدی (۱۳۹۵)، «لزوم مشروع بودن جهت معامله در حقوق موضوعه ایران و فقه امامیه»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ش ۴۳، ص ۱۱-۲۸.
۳. امامی، سید حسن (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، ج ۱، تهران: اسلامی.
۴. انصاری، باقر (۱۳۸۳)، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۶، ص ۱-۵۳.
۵. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق)، کتاب المکاسب، ج ۱، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئویة الثانية لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری، الأمانة العامة.
۶. پور سعید، رامین، نریمان فاخری، علیرضا مهرانفشان و صفی الله فغانپور (۱۴۰۰)، «ثابت و متغیر در نظام کیفری ایران با رویکرد تاریخی بر ملاحظات اخلاقی پیش از اسلام»، اخلاق زیستی (ویژه نامه تأملات اخلاقی و حقوقی)، ص ۲۳-۳۴.
۷. دینانی، عبدالرسول (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی جهت و علت عقد در حقوق ایران و فرانسه و فقه امامیه»، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی، ش ۱۰، ص ۱۰۶-۱۳۹.
۸. راسخ، محمد، مائده تسخیری، علیرضا اسکندری و فائزه عامری (۱۳۹۸)، «امر اخلاقی و حق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، ش ۸۷، ص ۱۹-۴۷.
۹. راسخ، محمد و فاطمه دومانلو (۱۳۹۵)، «نانو فناوری و حریم خصوصی: نگاه اخلاقی و حقوقی»، فصلنامه اخلاق و علوم و فناوری، سال ۱۱، ش ۱، ص ۱۹-۲۸.
۱۰. رحمدل، منصور (۱۳۸۴)، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۰، ص ۱۱۹-۱۴۵.
۱۱. درگاهزاده، محمد، علی نعمتی و اکبر ساجدی (۱۳۹۶)، «ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی»، پژوهش نامه اخلاق، سال ۱۰، ش ۳۷، ص ۶۱-۸۴.





۱۲. دهقانی مبارکه، مریم، احمد رضا مقصودی، افسانه ملک پور تهرانی و محمد رحیمی مدیسه (۱۳۹۲)، «اهمیت حفظ حریم خصوصی بیماران از دیدگاه کادر درمانی - مراقبتی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد»، *مجله بالینی پرستاری و مامایی*، دوره ۲، ش ۱، ص ۹-۱۷.
۱۳. سلیمان کلوانق، امین، محمد علی راغبی و احمد مرتاضی (۱۳۹۸)، «پژوهشی در ملاک تأثیر جهت نامشروع: تصریح یا احراز؟ (واکاوی مبانی فقهی ماده ۲۱۷ قانون مدنی)»، *آموزه‌های فقه مدنی*، ش ۲۰، ص ۲۳۷-۲۶۴.
۱۴. شاهسواری، زینب و علی اصغر پورعزت (۱۳۹۹)، «واکاوی جلوه‌های اخلاق اسلامی در سازمان: پژوهشی مبتنی بر تحلیل مضمون در نهج البلاغه»، *مطالعات دولتی ایران*، سال ۳، ش ۲، ص ۳۵-۵۸.
۱۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۰)، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران: مجد.
۱۶. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، *حقوق مدنی ۶: عقود معین ۱*، تهران: مجد.
۱۷. صالحی، سیدهادی، سیدمهدی صالحی و رضا نکیخواه سرنقی (۱۳۹۷)، «بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن»، *مبانی فقهی حقوق اسلامی*، دوره ۱۱، ش ۲۱، ص ۷۷-۹۸.
۱۸. صفایی، سیدحسین (۱۳۵۰)، «نظریه جهت در قراردادها: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و ایران و فرانسه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۸، ص ۴۷-۶۷.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۶)، *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. طوسی، ابی جعفر محمد (۱۳۶۳)، *استبصار فیما اختلف الاخبار*، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۱. غزالی، محمد (بی تا)، *احیاء علوم الدین*، تحقیق عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت: دار الکتب العربی.



۲۲. فارابی، محمد (ابی نصر) (بی تا)، آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها، تحقیق علی بومحلم، بیروت: دار و مكتبة لطباعة و نشر.
۲۳. قدسی، زهرا (۱۳۹۲)، «مبانی فقهی جاسوسی»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ۶، ش ۱۱، ص ۶۷-۸۳.
۲۴. قنواتی، جلیل، سیدحسن وحدتی شبیری و ابراهیم عبدی پور (۱۳۷۹)، حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: سمت.
۲۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، «اخلاق و حقوق»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۲، ش ۱ و ۲، ص ۸۵-۸۸.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب (بی تا)، اصول کافی، ترجمه و شرح سیدهاشم رسولی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، کیمیای عشق، تلخیص عبدالهادی مسعودی، ترجمه سیدحسن اسلامی، تهران: دار الحدیث.
۲۹. مسلم، احمد (۱۴۱۵ق)، القانون الدولي الخاص المقارن فی مصر و لبنان، بیروت: دار النهضة العربية.
۳۰. معین زاده میرحسینی، سیدامیررسول و سیدسیامک فتح اللهی (۱۳۹۵)، «حدود وظایف دادگستری در رعایت حریم خصوصی اماکن»، مطالعات حقوقی-انتظامی، سال ۱، ش ۳، ص ۱۱۷-۱۴۱.
۳۱. ملکی، محمد و محسن اسماعیلی (۱۴۰۰)، «امکان اخلاق سازی در فرایند استدلال قضایی»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۱، ش ۲، ص ۱۸۳-۲۰۲.
۳۲. مک ناتن، دیوید (۱۳۸۳)، درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه حسن میاننداری، تهران: سمت.

۳۳. موسوی الخمينی، سيدروح الله (۱۴۱۰ق)، المكاسب المحرمة، مع تذييلات لمجتبی طهرانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۴. نراقی، احمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۳۵. نراقی، احمد (۱۳۹۴)، معراج السعادة، چ ۴، قم: پیام مقدس.
۳۶. نراقی، محمدمهدی (بی تا)، جامع السعادات، تعليق و تصحيح محمد کلانتر، چ ۴، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۷. نراقی، محمدمهدی (۱۳۶۳)، عوائد الأيام، تهران: مکتبه الأعلام الاسلامی.
۳۸. نعمتی، مانا، کرم الله دانش فرد و ناصر میرسپاسی (۱۴۰۰)، «طراحی الگوی اخلاق حرفه‌ای مدیران با رویکرد حکمرانی خوب»، تعالی حقوق، سال ۱۲، ش ۲، ص ۲-۲۷.
۳۹. نیکخواه، رضا و ابراهیم علی عسگری (۱۳۹۴)، «نقش پنهان اخلاق در حقوق»، اخلاق زیستی، سال ۵، ش ۱۵، ص ۱۱-۳۹.
۴۰. هراتی، مصطفی (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی جهت در حقوق قراردادهای ایران و حقوق نوین فرانسه»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۳۸۱-۴۰۴.
41. Elliot, Chatherine and Frances Quinn (2000), *English Legal Sistem*, 3ed, London: Longman.
42. Picard, Etienne (2001), *La fonction de l, ordre public dans l, ordre juridique, dans: L, ordre public*, edite par: Marie-joelle Redor, Bruxelles: Bruylant.



References

1. *The Holy Quran*.
2. Asghari Aqamashahdi, Fakhreddin; Hosseini, Seyed Masih; Asghari Aqamashahdi, Mohammad Baqer (2016), "The Necessity of Legitimacy for Dealing in Subject Law of Iran and Imami Jurisprudence", *Research in Islamic Jurisprudence and Law*, Vol. 43, pp. 11-28.
3. Ansari, Baqer (2004), "Privacy and its protection in Islamic, comparative and Iranian law", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Vol. 66, pp. 1-53.
4. Ansari, Sheikh Morteza (1994), *Kitab al-Makasib*, vol. 1, Qom: Al-Mu'tamar Al-Alami on the occasion of the second dhikr of the second month for the birthday of Sheikh Al-Azam Al-Ansari, the public trust.
5. Dargahzadeh, Mohammad; Nemati, Ali; Sajedi, Akbar (2017), "Presentation and analysis of the moral model of Islam in entering privacy", *Research Journal of Ethics*, Vol. 10, No. 37, pp. 61-84.
6. Dayani, Abdolrasoul (2010), "A Comparative Study of the Direction and Cause of Marriage in Iranian and French Law and Imami Jurisprudence", *Scientific Quarterly of Legal Research*, Vol. 10, pp. 139-106.
7. Dehghani Mobarakeh, Maryam, Maghsoudi, Ahmad Reza; Malekpour Tehrani, Afsaneh; Rahimi-Madiseh Mohammad (2013), "The importance of maintaining patients' privacy from the perspective of medical staff of Shahrekord University of Medical Sciences", *Clinical Journal of Nursing and Midwifery*, Vol. 2, No. 1, pp. 9-17.
8. Elliot, Chatherine and Frances Quinn (2000), *English Legal Sistem*, 3ed, London: Longman.
9. Emami, Seyed Hassan (2006), *Civil Law*, Vol. 1, Tehran: Islamic Publications.
10. Farabi, Muhammad (Abi Nasr) (n.d), *the views of the people of the virtuous city and its contradictions*, research by Ali Bummahlam, Beirut: Dar and Maktabah of printing and publishing.
11. Ghazali, Muhammad (n.d), *Ehya Oloom al-Din*, vol. 9, research by Abdul Rahim bin Hussein Hafez Iraqi, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
12. Ghodsi, Zahra (2013), "Jurisprudential principles of espionage", *Jurisprudential principles of Islamic law*, Vol. 6, No. 11, pp. 67-83.
13. Harati, Mostafa (2020), "Comparative study of the direction in Iranian contract law and modern French law", *Studies in Comparative Law*, Vol. 11, No. 1, pp. 381-404.
14. Katozian, Nasser (2004), *General Rules of Contracts*, Vol. 2, Tehran: Publishing Company in collaboration with Bahman Borna.
15. Katozian, Nasser (2007), "Ethics and Law", *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, second year, vols. 1 and 2, pp. 85-88.
16. Koleini, Mohammad Ibn Ya'qub (n.d), *Osol Kafi*, translation and commentary: Seyyed Hashem Rasouli, Tehran: Islamic Theological Bookstore.
17. Maleki, Mohammad; Ismaili, Mohsen (2021), "The possibility of ethics in the process of judicial reasoning", *Private Law Studies*, Vol. 51, No. 2, pp. 183-202.
18. McNaughton, David (2004), *Introduction to the Philosophy of Ethics*, translated by Hassan Miandari, Tehran: Samt.
19. Mohammadi Riheshahri, Mohammad (2014), *The Alchemy of Love*, Summary: Abdul Hadi Masoudi, Translated by Seyed Hassan Eslami, Tehran: Dar al-Hadith.
20. Moinzadeh Mir Hosseini, Sidamir Rasool; Fathullah, Seyed Siamak (2016), "Limits of Judicial Duties in Respecting the Privacy of Places", *Legal-Disciplinary Studies*, Vol. 1, No. 3, pp. 117-141.
21. Mousavi al-Khomeini, Sayyid Ruhollah (1989), *al-Makasib al-Muharram*, with the repetitions of Mujtaba Tehrani, Qom: Ismaili Institute.
22. Muslim, Ahmad (1994), *State Law of Special Comparisons in Egypt and Lebanon*, Beirut: Dar al-Nahzat al-Arabiya.
23. Naraghi Mohammad Mehdi (n.d), *Jame al-Saadat*, commentary and correction: Mohammad Kalantar, fourth edition, Beirut: Scientific Institute for Press.
24. Naraghi, Ahmad (2015), *Meraj al-Saadat*, fourth edition, Qom: Holy Message.
25. Naraghi, Mohammad Mahdi (1984), *Avaed al-Ayam*, Tehran: Maktab al-Alam al-Islami.
26. Naraq, Ahmad (1994), *Mostanad al-Shiat*, vol. 14, Qom: Al al-Bayt Foundation for the revival of heritage.
27. Nemati, Mana; Daneshfard, Karmallah; Mirsapasi, Nasser (1400), "Designing a model of professional ethics for managers with a good governance approach", *Legal Excellence*, Vol. 12, No. 2, pp. 2-27.
28. Nikkha, Reza; Ali Asgari, Ebrahim (2015), "The hidden role of ethics in law", *Bioethics*, Vol. 5, No. 15, pp. 11-39.

29. Picard Etienne (2001), *La fonction de l'ordre public dans l'ordre juridique*, dans: *L'ordre public*, edite par: Marie-joelle Redor, Bruxelles: Bruylant.
30. Poursaid Ramin; Fakhri, Nariman; Mehrafshan, Alireza; Faghanpour, Safiullah (2021), "Fixed and variable in the Iranian penal system with a historical approach to pre-Islamic moral considerations", *bioethics (Special Issue on Ethical and Legal Reflections)*, pp. 23-34.
31. Qanawati, Jalil; Vahdati Shabbiri, Seyed Hassan; Abdipour, Ebrahim (2000), *Contract Law in Imami Jurisprudence*, Vol. 1, Tehran: Samt.
32. Rahmdel, Mansour (2005), "Human Rights to Privacy", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Vol. 70, pp. 119-145.
33. Rasekh, Mohammad; Domanloo, Fatemeh (2016), "Nanotechnology and Privacy: An Ethical and Legal Perspective", *Quarterly Journal of Ethics, Science and Technology*, Vol. 11, No. 1, pp. 19-28.
34. Rasekh, Mohammad; Tashkhiri, Maeda; Eskandari, Alireza; Ameri, Faezeh (1398), "Ethical matter and law", *Quarterly Journal of Legal Research*, Vol. 22, No. 87, pp. 19-47.
35. Safaei, Seyed Hossein (1971), "Theory of Direction in Contracts: A Comparative Study in Islamic, Iranian and French Law", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Vol. 8, pp. 47-67.
36. Salehi, Seyed Hadi, Salehi, Seyed Mehdi, Nakikhah Sarnaghi, Reza (2018), "A Study of the Legal Jurisprudence of Investigation and Its Exceptions", *Jurisprudential Principles of Islamic Law, Jurisprudential Principles of Islamic Law*, Vol. 11, No. 21, pp. 77-98.
37. Shahidi, Mehdi (2001), *Formation of Contracts and Obligations*, Tehran: Majd.
38. Shahidi, Mehdi (2003), *Civil Law 6: Certain Contracts 1*, Tehran: Majd.
39. Shahsavari, Zeinab; Pourezat, Ali Asghar (1399), "Analysis of the manifestations of Islamic ethics in the organization: a research based on content analysis in Nahj al-Balagheh", *Iranian State Studies*, Vol. 3, No. 2, pp. 35-58.
40. Suleiman Kalvanagh, Amin; Raghebi, Mohammad Ali; Mortazi, Ahmad (2009), "A study on the criterion of influence in the direction of illegitimate: specification or achievement?! (Analysis of the jurisprudential principles of Article 217 of the Civil Code)", *Doctrines of Civil Jurisprudence*, Vol. 20, pp. 237-264.
41. Tabatabai, Mohammad Hussein (2007), *Tafsir al-Mizan*, Qom: Qom Seminary Teachers Association.
42. Tusi, Abi Jafar Mohammad (1984), *Istibsar Fima Akhtalf al-Akhbar*, vol. 3, Tehran: Islamic Library.